

## مروری بر خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه

حجت الاسلام والمسلمین کاظم دلیری\*

قال الله تعالى: «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ

مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا»<sup>۱</sup>

### مقدمه

یکی از پیامدهای حکومت دستگاه ستمگر بنی امیه بر جامعه اسلامی، آن بود که همه تلاش خود را به کار بست تا امام حسین علیه السلام غریب و تنها بماند و در اوج مظلومیت به شهادت رسد. پس از شهادت امام علیه السلام نیز با به اسارت گرفتن خانواده و همراهان او - که معظم آنان زنان و دختران بودند - کوشید تا این پیروزی به ظاهر بزرگ خود را در مهم‌ترین مراکز دنیای اسلام، یعنی کوفه و شام به رخ همگان بکشد و سرمست از این جنایت هولناک، انواع توهین و تحقیرها را در حق اباعبدالله علیه السلام روا بدارد تا در نهایت به زعم خود نور اهل بیت علیهم السلام را خاموش کنند؛ غافل از آنکه خداوند همیشه در کمین ستمکاران است و از راهی که اهل باطل گمانش را نمی‌برند، حق را پیروز می‌گرداند. در داستان اسارت اهل بیت امام حسین علیه السلام نیز به خواست خدا ورق بر ضد بنی امیه برگشت و اسرای اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه امام زین العابدین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام نه تنها سختی‌ها و مرارت‌های دوران اسارت را به جان خریدند و از خود ضعف و زبونی نشان ندادند؛ بلکه در طول مدت اسارت نیز ندای حقانیت، غربت و مظلومیت اباعبدالله علیه السلام را به گوش جهانیان رساندند و آرمانی را که امام حسین علیه السلام به دنبال آن بود، به انجام رساندند. در گام نخست حضرت زینب علیها السلام در نخستین روز اسارت و در جمع کوفیان، لب به سخن گشود و ضمن معرفی خود، به عتاب و خطاب کوفیان پرداخت و آنان را به شدت محکوم و از عمق

\* کارشناسی ارشد تربیت اخلاقی مؤسسه اخلاق و تربیت.

۱. مریم: ۹۰ - ۸۹: «(ای کافران) همانا شما سخنی بسیار زشت و منکر بر زبان آوردید؛ چیزی نمانده است که

آسمان‌ها از این [سخن] بشکافند و زمین چاک خورد و کوه‌ها به شدت فرو ریزند».

فاجعه‌ای که آنان شریکش بودند، آگاه کرد.

خطبه حضرت زینب علیها السلام با کمی اختلاف در منابع متعدد تاریخی و حدیثی آمده است که در اینجا با انتخاب متن امالی شیخ مفید<sup>۱</sup> در چند فراز جداگانه درباره آن بحث می‌کنیم.

### ۱. ترسیم زمینه و بستر خطبه

حدّلم بن بشیر، راوی حادثه می‌گوید: در سال ۶۱ هجری وارد کوفه شدم، در حالی که علی بن حسین علیهما السلام به همراه زنان از کربلا به کوفه باز می‌گشت. لشکریان آنان را احاطه کرده و مردم برای تماشای‌شان خارج شده بودند. در صحنه رویارویی مردم کوفه با اسرایی که سوار بر شتران بی‌جهاز بودند، زنان کوفه شروع به گریه و ندبه کردند.

آن خیمه‌ای که گیسوی حورش طناب بود شد سرنگون ز باد مخالف حُباب‌وار جمعی که پاس محمل‌شان داشت جبرئیل گشتند بی‌عماری و محمل شترسوار<sup>۲</sup>

راوی حال علی بن حسین علیهما السلام را این‌چنین توصیف می‌کند: «بیماری او را رنجور و لاغر ساخته بود و غلّ جامع در گردنش بود و دستش به گردنش بسته بود. شنیدم که می‌گفت: این زنان می‌گیرند، پس چه کسی ما را کشت؛ یعنی مگر کسی جز شوهران خودتان ما را کشته است؟!».

### ۲. آمیختن حیا و خطابه

راوی پس از آن خطبه حضرت زینب علیها السلام را بازگو می‌کند و پیش از آن دو ویژگی برای حضرت زینب علیها السلام بر می‌شمارد و می‌گوید: «وَرَأَيْتُ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ وَ لَمْ أَرَ خَفْزَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا كَأَنَّهَا تُفْرِغُ عَنْ لِسَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهما السلام؛ زینب دختر علی علیهما السلام را دیدم و زنی با این شدت حیا را ندیده بودم که سخنورتر از او باشد؛ گویا از زبان امیرالمؤمنین علیهما السلام سخن جاری می‌ساخت.».

راوی با شنیدن خطبه‌خوانی حضرت زینب علیها السلام به یاد خطبه‌های پدرش، امیرالمؤمنین علیهما السلام در کوفه می‌افتد و گویی ندای حیدری را می‌شنود که از حنجر دخترش خارج می‌شود و بی‌جهت نیست که این دختر را «زینب»، یعنی زینت پدر نام نهاده‌اند. راوی دو ویژگی برای حضرت زینب علیها السلام ذکر می‌کند:

۱. محمد بن محمد مفید، الامالی، ص ۳۲۳ - ۳۲۰.

۲. خبرگزاری تسنیم، «مصرعی که امام زمان علیه السلام به شعر محتشم اضافه کرد»، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰، کد خبر:

۱۵۲۵۹۴۶

۱. «خَفِرَه»، یعنی زنی که سخت باحیاست.<sup>۱</sup>

۲. اَنطَق، یعنی سخنورتر.

حضرت زینب علیها السلام هم در حیا و عفاف و هم در سخنوری، سرآمد زنان زمان بود و این دو گوهر و هنر را از پدر و مادر خود به ارث برده بود. آن حضرت که تا آن زمان زنی مجلله و پرده‌نشین بود و کسی صورت و قامت او را ندیده بود، به حسب شرایط زمانه مجبور شد به صورت موقت از پرده‌نشینی درآید و همچون مادرش حضرت زهرا علیها السلام زبان گویای اسلام شود و در نقش پیام‌آور صحرای کربلا، ادای نقش کند.

بردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب و رنه این بی‌حرمتی‌ها کی روا دارد حسین

### ۳. ساکت کردن مردم با اشاره ولایی

در اجتماع و ازدحام مردم کوفه، سر و صدا و همه‌همه اوج گرفته و صدای زنگ شتران نیز با آن آمیخته بود. طبیعی بود که سخنرانی در چنین جمعی که وسایل پیشرفته امروزی مانند بلندگو نیز نبود، دشوار بود. راوی می‌گوید: حضرت زینب علیها السلام با اشاره به مردم گفت: «ساکت باشید». پس نفس‌ها به سینه‌ها بازگشت و صداها ساکت و آرام شد؛ به‌گونه‌ای که صدایی جز صدای حضرت زینب علیها السلام شنیده نمی‌شد: «قَدْ أَوْمَأْتُ إِلَى النَّاسِ أَنْ اشْكُتُوا فَازْتَدَّتْ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَتَتِ الْأَصْوَاتُ». در برخی نقل‌های این خطبه آمده است که صدای زنگ شتران نیز خاموش شد.<sup>۲</sup> این عبارات نشان می‌دهد که حضرت زینب علیها السلام، صاحب مقام ولایت یا تصرف در عالم بوده است؛ وگرنه با یک اشاره او این چنین سکوت و آرامش حاکم نمی‌شد.

### ۴. حمد خدا و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

حضرت زینب علیها السلام طلیعه سخن خود را با حمد خدا آغاز کرد و پس از آن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود فرستاد و فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى أَبِي رَسُولِ اللَّهِ». آن حضرت با لطافت و ظرافت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان پدر خود یاد کرد تا خود را به مردم بشناساند. اینکه نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله، فرزندان او هستند، امری مقبول در میان مردم بود و در آیه ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباهله) نیز آمده است که بر امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام اطلاق فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله شده است. همچنین یادآوری کرد که سپاه ابن زیاد، خاندان رسالت را به اسارت گرفته‌اند و از ابتدای سخن ماهیت زر

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۲۵۳.

۲. ر.ک: علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۶.

و زور و تزویر بنی امیه را برملا کرد. محور سخن امام زین العابدین علیه السلام در شام نیز بر معرفی خود به عنوان نزدیک‌ترین خویشاوند پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بود تا تبلیغات شوم بنی امیه مبنی بر اینکه این قوم خارجی هستند و بنی امیه نزدیکان حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان او هستند، خنثی شود.

### ۵. خطاب به اهل کوفه و علت آن

روی سخن حضرت زینب علیها السلام در کوفه با کوفیان بود و آنان را با عبارت «أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ» خطاب کرد. آن حضرت در جمع عمومی مردم، با حاکم خودکامه کوفه یا امرای لشکر ابن زیاد و مزدوران او کاری نداشت؛ بلکه مستقیم با خود مردم سخن گفت و آنان را خطاب و عتاب کرد؛ بر خلاف امام سجاد علیه السلام که در شام روی سخن خود را متوجه یزید کرد و او را خطاب و عتاب نمود. این امر حاکی از شناخت و رعایت مقتضیات زمان و مکان توسط اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا بیشتر مردم اهل کوفه، از دوستان بیعت شکن امام حسین علیه السلام بودند که به یاری حضرت نشناخته بودند و یا در جنگ علیه آن حضرت وارد شده بودند و دست کم سیاهی لشکر ابن زیاد شده بودند. بنابراین سزاوار عتاب و خطاب بودند، ولی در شام قضیه به عکس بود. مردم شام مشارکتی در جنگ نداشتند و یزید به عنوان آمر مباشر قتل امام حسین علیه السلام، خود را پیروز میدان می دانست و به دین و امام علیه السلام جسارت می کرد. بنابراین امام سجاد علیه السلام او را مورد خطاب قرار داد و با مردم نادان و بی خبر شام که تماشاگر قضایا بودند، چندان کاری نداشت. حضرت زینب علیها السلام سخن با حاکمان و قدرتمندان مغرور و سرمست را به وقتی دیگر و جایی دیگر موکول کرد و در مجلس ابن زیاد و یزید نیز با سخنان و برخوردهای زیبا و خردمندانه خود، تاج و تخت آنان را به لرزه انداخت.

### ۶. تشبیه کوفیان به بافنده نادان

حضرت زینب (پس) از خطاب اهل کوفه به آنان این چنین فرمود: «يَا أَهْلَ الْخَثَلِ وَالْخُدَلِ [أَتَبْكُونَ] ۱ فَلَا رَقَاتِ الْعُبْرَةَ وَلَا هِدَاةِ الزُّنَّةِ؛ ای اهل نیرنگ و واگذاری، [آیا می گریید؟] اشک تان قطع نشود و ناله تان آرام نگیرد». سپس در ادامه فرمود: «فَمَا مَسَّكُمْ إِلَّا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَالًا بَيْنَكُمْ؛ وضع شما مردم مانند داستان آن زن ریسنده ای است که رشته خود را پس از محکم بافتن می گشود، شما هم سوگندهایتان را مایه

۱. جعفر بن محمد ابن نما حلی، مثير الاحزان، ص ۸۵.

خیانت و دغل میان خودتان قرار می‌دهید». حضرت زینب علیها السلام، به عنوان یک مفسر قرآن، وضع مردم کوفه را با آیه ۹۲ سوره نحل شرح می‌دهد.

در تفسیر امام باقر علیه السلام از این آیه آمده است: «زنی کودن از قبیله بنی تمیم به نام رابطه یا ریطه بود که موی بز می‌بافت و چون می‌بافت، آن را باز می‌کرد و دوباره می‌بافت. خداوند به وفا امر کرده و پیمان شکنی را به کار آن زن تشبیه کرده است»<sup>۱</sup>. تشبیه مردم کوفه به آن زن بافنده، به دلیل عهدشکنی‌های پیاپی کوفیان در عهد امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهما السلام است؛ به گونه‌ای که عمق حماقت و جهالت و شخصیت سست آنان را اثبات می‌کرد. آنان برای پیمان‌های شان ارزشی قائل نبودند و به آسانی آن را می‌شکستند - همچون زن تیمی که برای بافته‌های خود ارزشی قائل نبود و بی دلیل آن را باز می‌کرد - و همین امر مانع تقویت و رشد دین در میان آنان بود.

## ۷. بیان نقاط ضعف کوفیان

حضرت زینب علیها السلام در ادامه خطبه، شخصیت کوفیان را تحلیل کرد و برخی نقاط ضعف آنان را برایشان این چنین برشمرد:

أَلَا وَهَلْ فِيكُمْ إِلَّا الصَّلْفُ النَّطْفُ وَالصَّدْرُ الشَّنْفُ حَوَارُونَ فِي اللَّقَاءِ عَاجِرُونَ عَنِ الْأَعْدَاءِ نَاكِثُونَ لِلْبَيْعَةِ مُضَيِّعُونَ لِلدَّقَّةِ، فَبِئْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ؛ هان، آیا در شما چیزی جز لاف زنی و آلودگی به عیب و دشمنی است؟! در برخورد با دشمن ضعیف و از جهاد با دشمنان، ناتوان و بیعت شکن و تباہ کننده عهد هستید. پس بد چیزی برای خودتان پیش فرستاده‌اید که خداوند بر شما خشم گرفته و در عذاب جاودانه‌اید.

این عبارت از آیه ۸۰ سوره مائده گرفته شده که در شأن کافران بن اسرائیل نازل شده است.<sup>۲</sup>

## ۸. بیان جنایت کوفیان

حضرت زینب علیها السلام در فرازی دیگر از خطبه غزای خود، بزرگی و زشتی جنایت کوفیان را تبیین

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۸۹.

۲. «بِئْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ؛ نفس [سرکش] آن‌ها، چه بد اعمالی از پیش برای [قیامت] آن‌ها فرستاد که نتیجه آن، خشم خداوند بود و در عذاب [الهی] جاودانه خواهند ماند».

می‌کند. بانوی بزرگ کربلا، ابتدا از گریه کوفیان اظهار تعجب می‌کند و می‌فرماید: «أَتَبْكُونَ إِي وَ اللَّهِ فَأَبْكُوا كَثِيرًا وَ اضْحَكُوا قَلِيلًا فَلَقَدْ فُزْتُمْ بِعَارِهَا وَ شَنَارِهَا وَ لَنْ تَغْسِلُوا دَنَسَهَا عَنْكُمْ أَبَدًا؛ آیا می‌گریید؟! آری؛ به خدا سوگند، بسیار بگریید و کم بخندید که به خدا سوگند، به ننگ و عار آن نائل شده‌اید و پلیدی آن را هرگز از خود نمی‌شوید».

حضرت زینب علیها السلام در پاسخ گریه مردم کوفه، گریه‌شان را ملامت می‌کند؛ زیرا گریه آنان برای جنایتی است که خود مرتکب شده‌اند؛ همچون برادران یوسف که خود برادرشان را در چاه انداختند و پس از آن شبانه نزد پدر گریه می‌کردند.<sup>۱</sup> امر به گریه بسیار و خنده کم از آیه ۸۲ سوره مبارکه توبه گرفته شده که خطاب به منافقان صادر شده است؛<sup>۲</sup> منافقانی که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بهانه‌های واهی همچون گرمی هوا از جهاد سر باز می‌زدند و خداوند به آنان امر می‌کند که باید کم بخندند و بسیار بگریند؛ زیرا بد عاقبتی در انتظار آنان است. پلیدی کشتن امام حسین علیه السلام هیچ‌گاه پاک و شسته نمی‌شود و گناهی نابخشودنی است که در برخی روایات دیگر نیز آمده است.<sup>۳</sup>

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند      یک‌باره بر جریده<sup>۴</sup> رحمت قلم زنند  
ترسم کزین گناه، شفیعان روز حشر      دارند شرم کز گنه خلق دم زنند<sup>۵</sup>

## ۹. بیان شخصیت امام حسین علیه السلام

حضرت زینب علیها السلام در ادامه با بیان عظمت مقام امام حسین علیه السلام، به آنان یادآوری کرد که از یاری چه کسی دست کشیده و برای جنگ با او همدستی کرده‌اند. آن حضرت فرمود: «فَسَلِّلْ خَاتِمَ الرِّسَالَةِ وَ سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مَلَأَ خَيْرَتِكُمْ وَ مَفْرَعِ نَارِ لَيْتِكُمْ وَ أَمَارَةَ مَحْجَتِكُمْ وَ مَدْرَجَةَ حُجَّتِكُمْ خَدَّتُمْ وَ لَهُ فَتَلْتُمْ؛ فرزند خاتم رسالت و سرور جوانان اهل بهشت و پناهگاه خوبان تان و

۱. یوسف: ۱۶.

۲. «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ ز این پس کم بخندند و به جزای آنچه به دست می‌آوردند، بسیار بگریند».

۳. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۰؛ محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۷.

۴. جریده: دفتر.

۵. خبرگزاری شبستان، «محتشم کاشانی و مرثیه‌سرایی عاشورایی»، ۱۴۰۰/۰۵/۲۵، کد خبر: ۱۰۸۵۱۲۷.

پناهگاه بلاهای تان و نشانه راهتان و پلکان رشد در حجت‌هایتان را یاری نکردید و برای او به هم پیچیدید».

حضرت زینب علیها السلام از امام حسین علیه السلام با عنوان «سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»، یعنی همان عنوانی یاد می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله او را این‌گونه توصیف کرده بود و میان همه مسلمانان مورد اتفاق بود که حسن و حسین علیهما السلام، سرور جوانان اهل بهشت‌اند. بانوی بزرگ کربلا، امام علیهما السلام را به «مَلَاذَ خَيْرَتِكُمْ» توصیف می‌کند؛ یعنی امام علیهما السلام پناهگاه خوبان است و خوبان با توجه به سطح معرفتی خاص خود در امور خاص مانند مشکلات علمی و اجتماعی به امام علیهما السلام پناه می‌برند. با رفتن امام علیهما السلام، خوبان بی‌پناه می‌شوند. آن حضرت همچنین از امام علیهما السلام با عنوان «مَفْرَعٌ نَازِلَتِكُمْ» یاد می‌کند، یعنی امام علیهما السلام پناهگاه امت در هنگام فرود آمدن بلاها و سختی‌هاست.

توصیف دیگر حضرت زینب علیها السلام، «أَمَارَةٌ مَحَجَّتِكُمْ» است. «اماره» به معنای نشانه راه، و مَحَجَّة به معنای راه راست است.<sup>۱</sup> این عبارت به معنای نشانه راه راست است؛ یعنی امام تابلو و نشانه راه راست است. توصیف دیگر امام علیهما السلام نیز به «مَدْرَجَةٌ حُجَّتِكُمْ» است. «مدرجه»، یعنی محل بالا رفتن درجه درجه یا کم کم یا راه چارسو؛ یعنی امام علیهما السلام کسی است که مردم را با حجت‌ها، پله پله بالا می‌برد و آنان را رشد می‌دهد. حضرت زینب علیها السلام به عظمت مقام امام حسین علیهما السلام اشاره کرد و فرمود:

وَيْلَكُمْ أَمْ تَذُرُونَ أَيَّ كَبِدٍ لِمُحَمَّدٍ فَرَيْتُمْ وَ أَيَّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ وَ أَيَّ كَرِيمَةٍ لَهُ أَصَبْتُمْ «لَقَدْ حِثَّمُ شَيْئًا إِذَا \* تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخْرُ الْجِبَالُ هَذَا»؛<sup>۲</sup> وای بر شما، آیا می‌دانید چه جگرگوشه‌ای از محمد را پاره پاره کردید و چه خونی از او را ریختید و به چه عضو شریفی از او دست یازیدید؟! به خدا سوگند، کار زشتی مرتکب شده‌اید که نزدیک است آسمان‌ها به سبب آن تکه تکه و زمین شکافته شود و کوه‌ها فرو ریزد.

عبارت «وَيْلَكُمْ أَمْ تَذُرُونَ أَيَّ كَبِدٍ لِمُحَمَّدٍ فَرَيْتُمْ» بیان می‌کند که امام حسین علیهما السلام، جگرگوشه پیامبر صلی الله علیه و آله است. اطلاق «کبد محمد» بر امام حسین علیهما السلام، خیلی لطیف و فصیح و پاره پاره کردن حسین علیهما السلام، در حقیقت پاره پاره کردن جگر پیامبر صلی الله علیه و آله است. عبارت «وَ أَيَّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ»، یعنی خون حسین علیهما السلام، خون پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ هم‌چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جمله معروفی فرمود:

۱. محمود بن عمر زمخشری، مقدمة الادب، ص ۱۱.

۲. مریم: ۹۰ - ۸۹.

«حسین از من و من از حسینم».<sup>۱</sup> حضرت زینب علیها السلام نیز بر بیان نسبت نزدیک امام حسین علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید می‌کند و این جنایت را جنایتی در حق پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند. کشتن حسین علیه السلام، همانند کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله است و جنایت در حق پیامبر صلی الله علیه و آله، جنایت در حق اسلام است. آیه «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا؛ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا»<sup>۲</sup> در خطبه بانوی بزرگ کربلا، دال بر این است که کشتن حسین علیه السلام در حد شرک به خداست؛ چنانکه وقتی مشرکان برای خداوند فرزند قائل شدند «أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا»،<sup>۳</sup> خداوند با این آیه آنان را ملامت می‌کند. این جنایت گویا بساط عالم را در هم می‌ریزد. خرقاء در عبارت «وَ لَقَدْ أَتَيْتُمْ بِهَا خَرْقَاءَ شَوْهَاءَ طِلَاعِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ»، به معنای باد تندی است که در هیچ جهتی ثابت نمی‌ماند و پیوسته تغییر جهت می‌دهد.<sup>۴</sup> شاید منظور از این کلمه، این باشد که آثار شوم این مصیبت از ابعاد مختلفی شما را در بر می‌گیرد. از این‌رو، نباید از پیروزی ظاهری خود سرمست و مغرور شوید. «شوهاء» به معنای زشت‌روی است.<sup>۵</sup> «طلاع الأرض و السماء»، یعنی به اندازه حجم زمین و آسمان؛ یعنی بزرگی این جنایت از بزرگی همه عالم بیشتر است و با هیچ مقیاسی قابل اندازه‌گیری نیست.

#### ۱۰. تهدید کوفیان به عذاب خدا

حضرت زینب علیها السلام در آخرین فراز خطبه خود کوفیان را به عذاب خدا تهدید می‌کند و از این رهگذر به آنان هشدار می‌دهد. ایشان در آخرین فراز خطبه خود و در تهدیدی دیگر به عذاب خدا فرمود: «فَلَا يَسْتَحْفَنُكُمُ الْمَهْلُ فَإِنَّهُ لَا يَخْفِزُهُ الْبِدَارُ وَ لَا يَخَافُ عَلَيْهِ فَوْتُ الثَّأْرِ كَلَّا إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُؤْصَادِ؛ پس مهلت دادن خدا، خیالتان را راحت نکند که شتابزدگی [بندگان] او را بر نمی‌انگیزد و بیم فوت خونخواهی نیز بر او نمی‌رود، هرگز چنین نیست. همانا پروردگارت در کمینگاه است».

عبارت «فَلَا يَسْتَحْفَنُكُمُ الْمَهْلُ»، به سنت املائی (مهلت دادن) الهی به کافران اشاره دارد که در

۱. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. مریم: ۹۰-۸۹: «راستی با این گفتارتان چیزی بس زشت و ناپسند آورده‌اید. نزدیک است آسمان‌ها از این سخن پاره پاره شوند و زمین بشکافتد و کوه‌ها به شدت فرو ریزند و نابود شوند».

۳. مریم: ۹۱: «از اینکه برای خدای رحمان فرزندی خواندند».

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۵۰.

۵. همان، ص ۶۸.

قرآن کریم بیان شده است؛<sup>۱</sup> یعنی اگر به شما مهلت داده شده است، احساس راحتی نکنید؛ زیرا این مهلت از این باب نیست که گناهتان کوچک است یا در دستگاه خدا فراموش شده است؛ بلکه از باب سنت املای الهی است که خداوند در حق کافران اجرا می‌کند و ناگهان آن‌ها را می‌گیرد.

عبارت «فَإِنَّهُ لَا يَخْفِزُهُ الْبِدَاؤُ؛ شتابزدگی [بندگان] او را بر نمی‌انگیزد»؛ یعنی عجله کردن بندگان، موجب نمی‌شود خدا آن‌ها را به سرعت عذاب کند؛ بلکه خداوند طبق قانون خود هر گاه صلاح بداند، عذاب می‌کند.

عبارت «وَلَا يُخَافُ عَلَيْهِ فَوْتُ النَّارِ؛ بیم فوت خونخواهی بر او نمی‌رود» نیز یعنی خداوند انتقام خون شهدای کربلا را خواهد گرفت؛ زیرا «كَلَّا إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُؤْصَدِ؛<sup>۲</sup> هرگز چنین نیست، پروردگار تو در کمینگاه است»، بیمی از فراموشی انتقام نیست؛ چرا که پروردگارتان در کمین است.

حضرت زینب علیها السلام به صراحت تأکید می‌ورزد که این جنایت بی‌پاسخ نمی‌ماند و به زودی خداوند با حضرت قائم علیه السلام در این دنیا و نیز با عذاب‌های سخت در عالم آخرت، انتقام مظلومان را خواهد گرفت و در آخرت نیز خداوند در کمین ستمگران است و انتقام او بسی سخت‌تر می‌باشد.

## ۱۱. سکوت و حیرت مردم

راوی می‌گوید: «حضرت زینب علیها السلام در همین جا خطبه را به پایان رساند و مردم کوفه که از شنیدن این سخنان حیران و سرگردان شده بودند، می‌گریستند و دست‌های خود را به دندان می‌گزدیدند. در این لحظه پیرمردی که اشک چشمش جاری گشته و محاسن او را تر کرده بود، دست‌هایش را به سوی آسمان بالا برد و گفت: بزرگان شما بهترین پیران، زنان شما بهترین زنان، جوانان شما بهترین جوانان، نسل‌تان بهترین و کریم‌ترین نسل‌ها و فضیلت‌تان هم بهترین فضایل است».<sup>۳</sup>

این یک مرحله از روشنگری یا به تعبیر بهتر «جهاد تبیین» حضرت زینب علیها السلام در طول اسارت بود که بخشی از اهداف نهضت جاودان حسینی را محقق ساخت.

سزّی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

۱. ر.ک: اعراف: ۱۸۲ و ۱۸۳، قلم: ۴۴ و ۴۵.

۲. فجر: ۱۴.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴.

چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ  
چشمه فریاد مظلومیت لب‌تشنگان  
ذوالجناح دادخواهی بی‌سوار و بی‌لگام  
در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب  
پشت ابری از ریا می‌ماند اگر زینب نبود  
در کویر تفته جا می‌ماند اگر زینب نبود  
در بیابان‌ها رها می‌ماند اگر زینب نبود  
پشت کوه فتنه‌ها می‌ماند اگر زینب نبود

### فهرست منابع

#### کتاب

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه احمد فهری زنجانی، چاپ اول، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۲. ابن‌نما حلی، جعفر بن محمد، مثیر الأحزان، چاپ سوم، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۳. زمخشری، محمود بن عمر، مقدمة الأدب، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۴. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دار الکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۹. \_\_\_\_\_، الإرشاد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.

#### پایگاه‌ها

۱. خبرگزاری تسنیم، «مصرعی که امام زمان علیه السلام به شعر محتشم اضافه کرد»، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰، کد خبر: ۱۵۲۵۹۴۶.
۲. خبرگزاری شبستان، «محتشم کاشانی و مرثیه‌سرایی عاشورایی»، ۱۴۰۰/۰۵/۲۵، کد خبر: ۱۰۸۵۱۲۷.